

نقش خود متمایزسازی در پیش‌بینی رضایت زناشویی زنان شاغل

مرتضی طیب^۱، محمد قمری^۲

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد مشاوره خانواده، دانشکده ادبیات، علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم تحقیقات، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

^۲ گروه مشاوره، واحد ابهر، دانشگاه آزاد اسلامی، ابهر، ایران

چکیده

هدف از انجام پژوهش تعیین رابطه خود متمایزسازی با رضایت زناشویی زنان شاغل در اداره آموزش و پرورش شهرستان ملارد بود. این پژوهش برحسب هدف بنیادی است و برحسب نحوه گردآوری داده‌ها همبستگی می‌باشد. جامعه آماری این تحقیق شامل ۱۰۰ نفر از شاغلین زن متأهل آموزش و پرورش شهرستان ملارد می‌باشد. روش گردآوری داده‌ها کتابخانه‌ای و با استفاده از ابزار فیش‌برداری اطلاعات موردنیاز جمع‌آوری شد و در مرحله نهایی برای گردآوری اطلاعات از نمونه آماری از دو پرسشنامه استاندارد رضایت زناشویی انریچ (ENRICH-115) و خود متمایزسازی دریک و موردک (SDI-CF)، استفاده شده است. همچنین نرمال بودن داده‌ها به وسیله آزمون کلموگروف اسمیرنوف بررسی شد. با توجه به آزمون که از نوع همبستگی می‌باشد، برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش آماری ضریب همبستگی گشتاوری پیرسون و رگرسیون استفاده شده است. نتایج پژوهش نشان داد: خود متمایزسازی رضایت زناشویی زنان شاغل را پیش‌بینی می‌کند و همچنین بین خود متمایزسازی با رضایت زناشویی زنان شاغل در آموزش و پرورش شهرستان ملارد رابطه معنی‌دار مثبت وجود دارد.

واژه‌های کلیدی: خود متمایزسازی، رضایت زناشویی، زنان شاغل

۱. مقدمه

خانواده یکی از نظام‌های اولیه جوامع است که با وجود تغییرات اساسی، در اهداف و کارکرد آن تغییری ایجاد نشده است و در تمام جوامع از اهمیت اساسی برخوردار است. خانواده از نظر ظاهری کوچک‌ترین واحد اجتماع به شمار می‌آید ولی از نظر جهت اهمیت و ارزش، هسته مرکزی اجتماع است. در حقیقت انسان موجودی اجتماعی است و وجود دو عنصر زن و مرد و زندگی مشترک آن‌ها با یکدیگر، از ابتدا در جوامع بشری قابل مشاهده بوده است.

هیچ جامعه‌ای نمی‌تواند ادعای سلامت کند چنانچه از خانواده‌هایی سالم برخوردار نباشد. حفظ و تداوم این نهاد مقدس در گرو تداوم و سلامت رابطه میان زن و شوهر است. خانواده هسته اصلی بهداشت روانی جامعه و رابطه زن و شوهر، هسته اصلی سلامت روان خانواده است. خانواده نقش مهمی در افزایش سلامت و بهزیستی دارد و یکی از عواملی که سبب فروپاشی یا تضعیف کانون خانواده می‌شود، روابط زناشویی ناسالم می‌باشد (مراد زاده، پیر خائفی، ۱۳۹۶). به علاوه ازدواج، حساس‌ترین تعهد عاطفی است که انسان برای برخورداری از آرامش روانی و روابط صمیمی آن را می‌پذیرد.

ازدواج را می‌توان یکی از مهم‌ترین عوامل بهداشت روانی در اجتماع دانست که اگر با مشکل روبه‌رو شود بهداشت روانی حاصل نخواهد شد و اثرات منفی و ماندگار آن نظیر افسردگی و اضطراب و دیگر اختلالات روانی نتیجه آن نارضایتی زناشویی خواهد بود (اولسون و دفرین، ۲۰۰۶).

رضایت زناشویی یکی از عوامل تعیین‌کننده در پیش‌بینی میزان صمیمیت یک رابطه عاشقانه و ماندگاری آن یا میزان درگیری زوجین و پایان یک رابطه است. درواقع زوج‌هایی که احساس رضایت از زندگی زناشویی خود دارند، در روابط خود ثبات بیشتری داشته و برای حل کردن مشکلات و تعارض‌های زندگی مشترک خود بیشتر از دیگران، تلاش می‌کنند. رضایت زناشویی ابعاد جسمی، جنسی و عاطفی را در برمی‌گیرد و با رفاه اقتصادی و اجتماعی و عوامل فرهنگی مرتبط است. مسلماً زمانی که زوجین احساس رضایت‌مندی کامل از زندگی زناشویی خود داشته باشند به وظایف خود به‌طور کامل عمل خواهند کرد. داشتن احساس رضایت‌مندی کامل از زندگی زناشویی منجر به تأمین نیازهای روانی، عاطفی و جسمانی فرزندان و تربیت صحیح آن‌ها خواهد شد، همچنین توان مقابله در برابر فشارهای روانی و مشکلات افزایش‌یافته و ارتقای سطح بهداشت روانی و جسمانی زوجین را در پی خواهد داشت.

امروزه زنان به‌منظور به‌ظهور رسانیدن توانمندی‌های خود و افزایش عزت‌نفس به اشتغال علاقه‌مند شده‌اند و دامنه فعالیت‌های خود را از محدوده خانه فراتر می‌برند و به‌نظام‌های شغلی می‌پیوندند. پیوستن آن‌ها در جامعه تغییراتی در نقش‌های سنتی زنان ایجاد کرده است که ممکن است رضایت زناشویی را تحت تأثیر قرار دهد. اگر فرد از زندگی در درون خانواده خود رضایت داشته باشد این رضایت به بقیه ابعاد زندگی وی نیز انتشار می‌یابد؛ افراد رضایتمند در جامعه نیز رفتاری مناسب و شایسته خواهند داشت و مشکلات جامعه کاهش خواهد یافت (حیدری، ۱۳۹۵).

همچنین یکی از مؤلفه‌های شناخته‌شده مؤثر بر رضایت زناشویی، تمایز یافتگی خود می‌باشد، خود متمایزسازی به توانایی اشخاص برای تمایز خود از خانواده اصلی‌شان در سطح عاطفی و عقلی اطلاق می‌شود. دو سطح از تمایز یافتگی وجود دارد: درون فردی و بین فردی، در سطح درون فردی، تمایز خود به توانایی یک فرد برای تشخیص احساسات از افکار و به تفکر منطقی یا عقلانی اشاره دارد. شامل واکنش هیجانی و موقعیت من می‌باشد و در سطح بین فردی نشان‌دهنده توانایی یک فرد برای بیان دیدگاه‌ها، ارزش‌ها و محدودیت خود، حفظ استقلال، در عین حفظ روابط نزدیک و معنی‌دار با دیگران و شامل جدایی هیجانی و درآمیختگی با دیگران است (جعفری و همکاران، ۱۳۹۷).

بوئن (۱۹۹۸) مبدع نظریه نظام‌های، خانواده را یک واحد عاطفی و شبکه‌ای از روابط درهم‌تنیده می‌پندارد وی معتقد است زمانی می‌توان خانواده و مشکلات آن را بهتر درک کرد که از چهارچوبی چند نسلی یا تاریخی آن را تحلیل نمود. از

^۱Olson & Defrain^۲Bowen

میان عوامل مؤثر در تعارضات و مشکلات زناشویی بوئن نقش تمایز یافتگی یا خود متمایز سازی را مورد تأکید قرار می‌دهد (جعفری و همکاران، ۱۳۹۷).

زن و شوهری که باهم ازدواج کرده‌اند و یک سیستم جدید تشکیل داده‌اند ممکن است به سیستم خانواده قبلی اشان وابسته باشند و این منجر به بروز تغییراتی در سیستم جدید آن‌ها شود. بسیاری از اوقات تعارض‌هایی که بین زن و شوهر رخ می‌دهد، حاصل تأثیر متقابل این سیستم‌های خانوادگی است (استریت^۳ به نقل از طالبی، غباری بناب، ۱۳۹۱).

نظریه‌ی چند نسلی بوئن، عنوان می‌کند که افراد، زیربنای رابطه‌ی بین فردی را در خانواده‌ی اصلی‌شان یاد می‌گیرند و مشکلات خانوادگی و زناشویی زوج‌ها ادامه مشکلات رابطه‌ای موجود در خانواده‌ی اصلی آن‌ها است (نعیمی، پیرساقی، بشیر پور و اکبری، ۱۳۹۴). همچنین تمایز یافتگی عامل اساسی رشد طبیعی عملکرد ارتباطی فرد است که بنیان‌های صمیمیت و پذیرش دوسویه را در ازدواج تبیین می‌کند (جعفری و همکاران، ۱۳۹۷). اغلب افرادی که ازدواج می‌کنند، در آغاز زندگی از سطح بالایی از رضایت زناشویی هستند، اما علاوه بر افت تدریجی که باگذشت زمان در رضایت زناشویی رخ می‌دهد، در همان هفته‌ها و ماه‌های اول ازدواج نیز مشکلات جدی رخ می‌دهد که اگر حل نشود می‌تواند رضایت و ثبات رابطه زناشویی را تهدید کند (مارکمن و فلوید^۴ به نقل از طالبی، غباری بناب، ۱۳۹۱).

رضایت زناشویی از دیرباز یک موضوع محبوب بوده‌است، احتمالاً به دلیل این که تصور می‌شود این مفهوم ارتباط نزدیکی باثبات یک ازدواج مشخص دارد. (بتول و خالد^۵، ۲۰۱۲).

بنابراین در این تحقیق به پیش بینی رضایت زناشویی زنان شاغل بر اساس خود متمایز سازی پرداخته می‌شود.

لذا سؤال اصلی تحقیق حاضر این است: آیا خود متمایز سازی، رضایت زناشویی زنان شاغل را پیش‌بینی می‌کند؟

^۳Street

^۴Markman & Floyd

^۵Batool & Khalid

۲-روش تحقیق

با توجه به هدف پژوهش که بررسی رابطه‌ی خود متمایزسازی در پیش‌بینی رضایت زناشویی زنان شاغل است از طرح پژوهشی توصیفی از نوع همبستگی استفاده شده است. جامعه‌ی آماری در این پژوهش شامل کلیه‌ی زنان شاغل در آموزش و پرورش شهرستان ملارد بود، که در زمستان ۹۹ مشغول به کار بودند.

در این پژوهش از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای استفاده گردید؛ بدین‌صورت که از بین بخش‌های موجود در اداره آموزش و پرورش شهرستان ملارد، دو بخش انتخاب و از بین کارکنان زن متأهل شاغل در آن بخش‌ها که شامل ۱۱۵ نفر بودند با توجه به متأهل نبودن و به دلیل مشغله‌ی کاری، این تعداد نهایتاً به ۱۰۰ نفر تقلیل پیدا کرد. در این پژوهش از دو پرسشنامه برای اندازه‌گیری متغیرهای موردنظر استفاده شده است که عبارت‌اند از:

۱- پرسشنامه رضایت زناشویی انریچ (ENRICH-115)

برای بررسی رضایت زناشویی از پرسشنامه انریچ استفاده گردید. در این پرسشنامه پاسخ به سؤالات به‌صورت طیف لیکرت ۵ درجه‌ای از ۵=کاملاً موافقم تا ۱=کاملاً مخالف بوده، کمترین نمره ۴۷ و بیشترین نمره ۲۳۵ است و افرادی که نمرات آن‌ها زیر ۱۵۰ است دارای میزانی از ناسازگاری زناشویی هستند. اولسون و همکاران (۱۹۸۹) اعتبار این پرسشنامه را با ضریب آلفای کرونباخ ۰/۹۲ درصد گزارش کردند. روایی و اعتبار این پرسشنامه در پژوهشی توسط سلیمانیان برآورد گردید. ضریب اعتبار آن از طریق ضریب آلفا ۰/۹۳ محاسبه شد. ضریب همبستگی پرسشنامه با مقیاس‌های رضایت خانوادگی از ۰/۴۱ تا ۰/۶۰، با مقیاس‌های رضایت از زندگی از ۰/۳۲ تا ۰/۴۱ است که نشانه‌ی روایی سازه است. کلیه خرده مقیاس‌های «پرسشنامه انریچ» زوج‌های راضی ناراضی را متمایز می‌کنند و این نشان می‌دهد که پرسشنامه از روایی ملاک خوبی برخوردار است. در این پژوهش پایایی به دست آمده با استفاده از روش آلفای کرونباخ (۰/۹۵) بود.

۲- پرسشنامه استاندارد خود متمایزسازی دریک و موداک (SDI-CF)

پرسشنامه تمایز یافتگی توسط اسکورن و فریدلندر^۷ (۱۹۸۸) به‌منظور سنجش تمایز یافتگی طراحی و تدوین شده است و توسط دریک و موداک (۲۰۱۵) برای سنجش خود متمایزسازی اعتبار یابی شده است. در ایران نیز توسط رسولی و همکاران (۱۳۹۵) اعتبار یابی شده است. این پرسشنامه دارای ۱۸ سؤال و چهار مؤلفه تأیید نشدن، استرس و ناپایداری هیجانی، آمیختگی فکر و عمل و اجتناب می‌باشد و بر اساس طیف هفت گزینه‌ای لیکرت با سوالاتی مانند (هنگامی که کار یا مسئولیت بزرگی را شروع می‌کنم معمولاً نیاز به تشویق زیادی از جانب دیگران دارم) به سنجش تمایز یافتگی می‌پردازد. در پژوهش رسولی و همکاران (۱۳۹۵) روایی محتوایی و صوری و ملاکی این پرسشنامه مناسب ارزیابی شده است. در پژوهش حاضر ضریب آلفای کرونباخ این پرسشنامه برابر با (۰/۷۴) به دست آمد.

برحسب هدف تحقیق بنیادی است و برحسب نحوه گردآوری داده‌ها همبستگی می‌باشد. در این تحقیق در مرحله اول باروش کتابخانه‌ای و با استفاده از ابزار فیش‌برداری اطلاعات موردنیاز جمع‌آوری شد و در مرحله نهایی برای گردآوری اطلاعات از نمونه آماری از ابزار پرسشنامه استفاده شد. با توجه به آزمون که از نوع همبستگی می‌باشد، برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش آماری ضریب همبستگی گشتاوری پیرسون و رگرسیون استفاده شده است.

داده‌ها با استفاده از نرم افزار SPSS نسخه ۲۲ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. در قسمت توصیف داده‌ها از روش‌های آمار توصیفی، میانگین و انحراف استاندارد و برای آزمون فرضیه‌ها از آزمون‌های همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون چند متغیری استفاده گردید.

Skowron

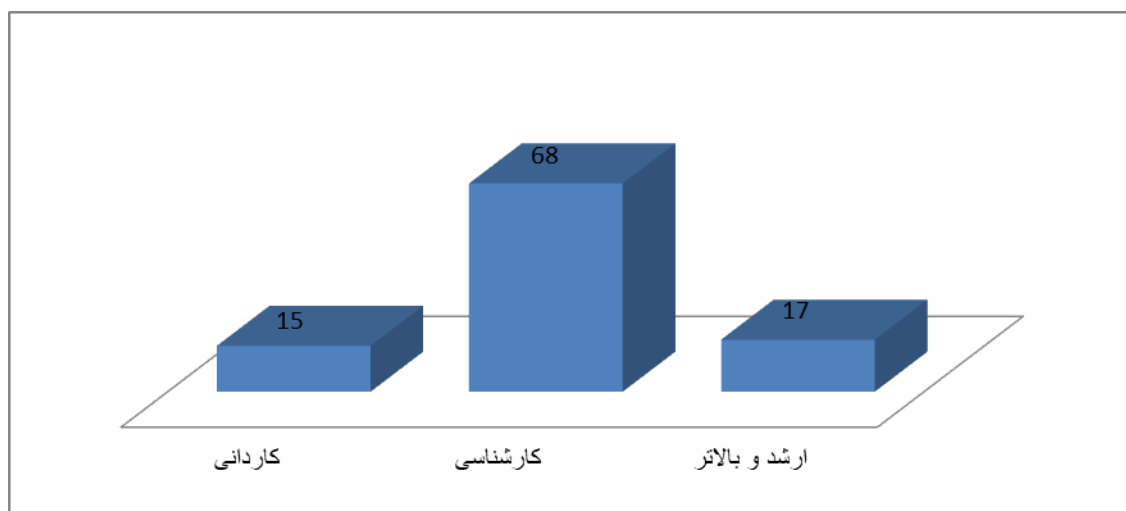
Friedlander

۳- یافته‌ها

در ابتدا داده‌های به دست آمده از نمونه مورد نظر با استفاده از آمار توصیفی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

جدول ۴-۱: توزیع فراوانی متغیر میزان تحصیلات افراد گروه نمونه

تحصیلات	فراوانی	درصد	درصد تراکمی
کاردانی	۱۵	۱۵	۱۵
کارشناسی	۶۸	۶۸	۸۳
ارشد و بالاتر	۱۷	۱۷	۱۰۰
کل	۱۰۰	۱۰۰	

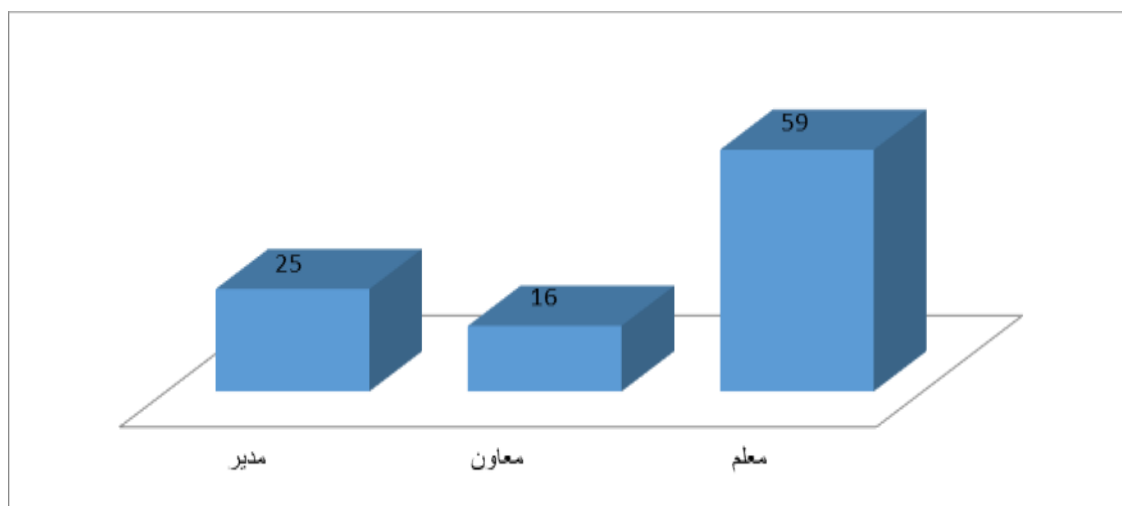


نمودار ۴-۱: توزیع فراوانی متغیر میزان تحصیلات افراد گروه نمونه

نتایج جدول فوق و نمودار ۴-۱ نشان می‌دهد که بیشترین میزان مشارکت در میان زنان با تحصیلات معادل کارشناسی است و به عبارت دیگر نما در این طبقه قرار دارد.

جدول ۴-۲: توزیع فراوانی متغیر نوع اشتغال

نوع شغل	فراوانی	درصد	درصد تراکمی
مدیر	۲۵	۲۵	۲۵
معاون	۱۶	۱۶	۴۱
معلم	۵۹	۵۹	۱۰۰
کل	۱۰۰	۱۰۰	



نمودار ۲-۴: توزیع فراوانی متغیر نوع اشتغال

نتایج جدول و نمودار ۲-۴ می‌توان این گونه بیان نمود که معلمان بیشترین میزان مشارکت (۵۹ درصد) و معاونان مدارس کمترین میزان مشارکت (۱۶ درصد) را دارند.

جدول ۳-۴: توزیع فراوانی متغیر سن افراد گروه نمونه

متغیر	تعداد	کمترین	بیشترین	میانگین	انحراف استاندارد
سن	۱۰۰	۲۸	۴۶	۳۵/۹۶	۳/۳

جدول ۳-۴ نشان می‌دهد که میانگین سن افراد گروه نمونه در حدود ۳۶ سال است و این میانگین میان سنین ۲۸ تا ۴۶ سال در نوسان است.

جدول ۴-۴: توزیع فراوانی متغیر سابقه کاری افراد گروه نمونه

متغیر	تعداد	کمترین	بیشترین	میانگین	انحراف استاندارد
سابقه کاری	۱۰۰	۵	۲۸	۱۸/۰۱	۲/۰۵

در ارتباط با میزان سنوات اشتغال افراد، نتایج نشان داد که میانگین میزان سنوات کاری زنان شاغل در آموزش‌وپرورش که به عنوان گروه نمونه در پژوهش حاضر شرکت نموده‌اند در حدود ۱۸ سال است و دامنه نوسان این میانگین از ۵ تا ۲۸ سال متغیر است.

جدول ۵-۴: شاخص‌های توصیفی متغیر رضایت زناشویی

متغیر	تعداد	کمترین	بیشترین	میانگین	انحراف استاندارد
رضایت زناشویی	۱۰۰	۱۷	۴۹	۳۵/۳۲	۶/۹۴۶
ارتباطات	۱۰۰	۱۸	۴۵	۲۹/۹۵	۶/۴۱۱
حل تعارض	۱۰۰	۱۷	۴۶	۳۲/۷۱	۵/۵۵۱
تحریف آرمانی	۱۰۰	۸	۲۵	۱۷/۶۱	۴/۰۳۵
رضایت زناشویی کل	۱۰۰	۷۳	۱۶۱	۱۱۵/۵۹	۲۰/۰۷۹

نتایج جدول فوق نشان می‌دهد که در متغیر رضایت زناشویی، خرده مقیاس تحریف آرمانی کمترین میانگین (۱۷/۶۱) و خرده مقیاس رضایت زناشویی بیشترین میانگین (۳۵/۳۲) را به دست آورده‌اند. همچنین میانگین کلی این متغیر در حدود ۱۱۶ می‌باشد که میان نمرات ۷۳ و ۱۶۱ در نوسان است.

جدول ۴-۶: شاخص‌های توصیفی متغیر خود متمایزسازی

متغیر	تعداد	کمترین	بیشترین	میانگین	انحراف استاندارد
تایید نشدن	۱۰۰	۵	۳۰	۱۵/۲۴	۵/۲۸۴
استرس و ناپایداری هیجان	۱۰۰	۹	۳۰	۱۹/۱۵	۷/۵۸۷
آمیختگی فکر و عمل	۱۰۰	۵	۳۰	۱۹/۵۶	۴/۶۵۴
اجتناب	۱۰۰	۳	۱۸	۹/۰۴	۳/۹۴۹
رضایت زناشویی کل	۱۰۰	۱۷	۴۹	۳۵/۳۲	۶/۹۴۶

در متغیر خود متمایزسازی، شاخص‌های توصیفی نشان داد که خرده مقیاس آمیختگی فکر و عمل بیشترین میانگین (۱۹/۵۶) و خرده مقیاس اجتناب کمترین میانگین (۹/۰۴) را به دست آورده است. سایر اطلاعات در جدول ۴-۶ دیده می‌شود.

۴-تحلیل داده ها

در ابتدا برای نرمال بودن داده‌ها از آزمون کلموگروف اسمیرنوف^۸ استفاده می‌شود که نتایج آن در ادامه می‌آید.

جدول ۴-۷: نتایج آزمون K-S برای نمرات متغیرهای پژوهش

متغیر	خرده مقیاس	K-S	سطح معناداری
رضایت زناشویی	رضایت زناشویی	۰/۱۲۱	۰/۲
	ارتباطات	۰/۱۳۸	۰/۱۵
	حل تعارض	۰/۱۲۱	۰/۲
	تحریف آرمانی	۰/۲۱۶	۰/۱۲
	رضایت زناشویی کل	۰/۲۴۸	۰/۱
خود متمایزسازی	تایید نشدن	۰/۱۲۱	۰/۲
	استرس و ناپایداری هیجان	۰/۱۶۹	۰/۱۱
	آمیختگی فکر و عمل	۰/۱۰۸	۰/۲
	اجتناب	۰/۲۱۶	۰/۱۳
	خود متمایزسازی کل	۰/۳۰۴	۰/۲۶

در این آزمون، تمامی سطوح معناداری از ۰/۰۵ بیشتر بوده و لذا می‌توان این گونه بیان نمود که اولین فرض برای استفاده از آزمون‌های پارامتریک برقرار است.

^۸Kolmogorov-smirnov

در ادامه و به منظور ارزیابی مفروضه همخطی بودن عامل تورم واریانس^۹ (VIF) و ضریب تحمل^{۱۰} مورد بررسی قرار گرفت. نتایج نرمال بودن داده ها با توجه به شاخص‌های کجی و کشیدگی به تفکیک هر متغیر در قسمت ۴-۸ ارائه شده است.

جدول ۴-۸: مفروضه‌های همخطی بودن

مدل	خطای معیار	انحراف	بتا	آماره t	سطح معناداری	ضریب تحمل	تورم واریانس
ثابت	۱۹/۴۷			۴/۷۷	۰/۰۰۰		
خود متمایزسازی	۰/۲		-۰/۰۸	-۰/۸۳	۰/۴۰۶	۰/۹۹	۱/۰۰۴

نتایج جدول ۴-۸ نشان می دهد که شاخص ضریب تحمل و تورم واریانس متغیرهای پژوهش به ترتیب بزرگتر از ۰/۱ و کوچکتر از ۱۰ است. این مطلب نشان دهنده آن است که پدیده همخطی بودن در متغیرهای پژوهش وجود ندارد. براساس دیدگاه مایر، گامست و گوارینو (۲۰۰۶) ارزش عامل تورم واریانس بالاتر از ۱۰ و ارزش ضریب تحمل کمتر از ۰/۱ باشد نشان دهنده هم خطی بودن است.

جدول ۴-۹: مفروضه‌های استقلال داده ها

R	R2	R2 تعدیل شده	خطای انحراف معیار	دوربین واتسون
۰/۲۶	۰/۰۷	۰/۰۵	۱۹/۵۶	۲/۳

به منظور آزمون استقلال خطاها در بین متغیرهای پیش بین، ارزش شاخص دوربین واتسون^{۱۱} مورد بررسی قرار گرفت، ارزش شاخص مذکور ۱/۷ بود. فایلد (۲۰۰۶) اعتقاد دارد که ارزش شاخص دوربین واتسون بالاتر از ۲ نشان دهنده عدم استقلال خطاهاست. براین اساس با توجه به ارزش شاخص دوربین واتسون محاسبه شده، می توان گفت مفروضه استقلال خطاها نیز در بین داده های پژوهش برقرار است.

فرضیه: بین خود متمایزسازی و رضایت زناشویی در زنان شاغل رابطه وجود دارد.

برای بررسی این فرضیه از آزمون آماری ضریب همبستگی پیرسون استفاده می شود که نتایج آن در ادامه خواهد آمد.

^۹variance inflation factor

^{۱۰}tolerance

^{۱۱}Durbin-Watson

جدول ۴-۱۰: ضریب همبستگی پیرسون برای خرده مقیاس‌های خود متمایزسازی و رضایت زناشویی

مؤلفه	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰
۱ رضایت زناشویی	۱									
۲ ارتباطات	۰/۷۷۱	۱								
۳ حل تعارض	۰/۷۲۵	۰/۷۴۴	۱							
۴ تحریف آرمانی	۰/۵۷۲	۰/۶۴۰	۰/۵۳۷	۱						
۵ رضایت زناشویی کل	۰/۹۰۸	۰/۹۲۰	۰/۸۷۲	۰/۷۵۱	۱					
۶ تأیید نشدن	۰/۲۲*	۰/۲۲*	۰/۲۳*	۰/۳*	۰/۲۷*	۱				
۷ ناپایداری هیجان	۰/۲۴*	۰/۳*	۰/۲۷*	۰/۱۹*	۰/۲۹*	۰/۲۵*	۱			
۸ آمیختگی فکر و عمل	۰/۰۳**	۰/۱۵**	۰/۲۵**	۰/۰۵**	۰/۱۴**	۰/۱۸**	۰/۰۹**	۱		
۹ اجتناب	۰/۰۹*	۰/۰۲*	۰/۰۴*	۰/۱۳*	۰/۰۴*	۰/۱۲*	۰/۰۲*	۰/۰۹*	۱	
۱۰ خود متمایزسازی کل	۰/۰۶**	۰/۰۴**	۰/۰۴**	۰/۱۵**	۰/۰۹**	۰/۰۵**	۰/۰۳**	۰/۰۵۹**	۰/۰۵۵**	۱

** p<0/01 * p<0/05

همچنین میان خرده مقیاس ناپایداری هیجان با تمامی خرده مقیاس‌های رضایت زناشویی رابطه معنادار مثبت و مستقیم وجود دارد و به عبارت دیگر با افزایش میزان رضایت زناشویی، این خرده مقیاس‌ها افزایش می‌یابند. نتایج ضریب همبستگی پیرسون برای بررسی رابطه میان دو متغیر رضایت زناشویی و خود متمایزسازی نشان داد که میان خرده مقیاس‌های تأیید نشدن، ناپایداری هیجان و اجتناب با خرده مقیاس‌های رضایت زناشویی در سطح ۰/۰۵ رابطه معناداری برقرار است و میان خرده مقیاس آمیختگی فکر و عمل و نمره کل خود متمایزسازی در سطح ۰/۰۱ رابطه معناداری برقرار است.

۵- بحث و نتیجه‌گیری:

هدف از انجام پژوهش حاضر بررسی نقش خود متمایزسازی در پیش‌بینی رضایت زناشویی زنان شاغل بود. با توجه به یافته‌های پژوهش بین دو متغیر خود متمایزسازی با رضایت زناشویی نشان می‌دهد که در دو متغیر رضایت زناشویی و خود متمایزسازی رابطه معنادار مثبت و مستقیم برقرار است، به عبارت دیگر با افزایش میزان خود متمایزسازی متغیر رضایت زناشویی نیز افزایش میابد که این نتیجه با تحقیقات ساسانی و همکاران (۱۳۹۹)، صالحی (۱۳۹۶)، کاظمیان مقدم و همکاران (۱۳۹۶)، عارفی و همکاران (۱۳۹۵)، ریچاردز^۲ (۲۰۱۶)، کیم و جونگ^۳ (۲۰۱۶) و اشکار و پلگ (۲۰۱۳) همسو می‌باشد.

ساسانی و همکاران (۱۳۹۹) به این نتیجه رسیدند که آموزش خود متمایزسازی برای کاهش مشکلات زناشویی زنان متأهل تأثیر بالایی دارد. عارفی، رحیمی و اسمعیلی (۱۳۹۵) در پژوهشی نشان دادند که تمایز یافتگی زوجین می‌تواند پیش‌بینی کننده سازگاری در زندگی زناشویی باشد. کاظمیان مقدم و همکاران (۱۳۹۵) نشان دادند که تمایز یافتگی با رضایت زناشویی رابطه مثبت معناداری دارد. همچنین نتایج این پژوهش نشان داد بین تمایز یافتگی و دلزدگی زناشویی رابطه منفی معنی داری وجود دارد و هراندازه تمایز یافتگی زوجها کمتر باشد تعارض‌های زناشویی و دلزدگی زناشویی آنها

^۱Richards^۲Kim & Jung

بیشتر خواهد بود. همچنین کیم و جونگ (۲۰۱۵) در پژوهشی با عنوان تمایزیافتگی خود، کارکرد خانوادگی، رضایت زندگی و نگرش نسبت به ازدواج که در میان دانشجویان دانشگاه کره ی جنوبی انجام داد به این نتیجه رسید که تمایز خود با کارکرد خانواده و رضایت از زندگی ارتباط مثبت دارد و نگرش‌های مثبت نسبت به ازدواج در میان دانشجویان دانشگاه کره ای می‌تواند با ارائه ی برنامه‌های آموزشی ازدواج که موجب افزایش رضایت از زندگی و بهبود تمایزیافتگی خود و کیفیت روابط خانوادگی می‌شود، پرورش یابد. علاوه بر این کالتا^۴ (۲۰۱۴) در پژوهش خود با عنوان رضایت از همسر، تمایز از خود و استرس درک شده توسط زنان در لهستان بیان کرد که رضایت زناشویی با تمایزیافتگی خودهمبستگی دارد. در تبیین این فرضیه می‌توان گفت افرادی که تمایزیافتگی بیشتری دارند و عملکرد عقلیشان می‌تواند خودمختاری آن‌ها را حفظ کند و در زمان‌های استرس، انعطاف‌پذیر، تطابق‌پذیر و مستقل از واکنش عاطفی به دیگران باشند، از رضایت زناشویی بیشتری برخوردار هستند.

^۴Kaletka

منابع:

۱. جعفری، فاطمه؛ صمدی کاشان، سحر؛ زمانی زارچی، محمد صادق و آسایش، محمد حسن. (۱۳۹۷). اثربخشی زوج درمانی گروهی هیجان مدار بر خود متمایز سازی زوجین دارای تعارضات زناشویی. فصلنامه مددکاری اجتماعی، شماره ۷، دوره ۱، ص ۱۳-۵.
۲. حیدری، مرضیه. (۱۳۹۵). کیفیت زندگی زناشویی و عوامل موثر بر آن. ارائه شده در چهارمین کنفرانس ملی توسعه پایدار در علوم تربیتی و روانشناسی، مطالعات اجتماعی و فرهنگی. تهران، موسسه آموزش عالی مهر اروند، مرکز راهکارهای دستیابی به توسعه پایدار.
۳. رسولی، محسن؛ آسوده، محمد حسین؛ تمرچی، فرزانه و حسینی، زهرا. (۱۳۹۵). بررسی ساختار عاملی و اعتباریابی پرسشنامه خودمتمایز سازی در یک و مورد اک (فرم کوتاه)، فصلنامه تخصصی روان سنجی، دوره ۴، شماره ۱۶، ص ۶۹-۸۲.
۴. ساسانی، مهرداد؛ فتحی اقدم، قربان؛ پویا منش، جعفر؛ امیری مجد، مجتبی. (۱۳۹۹). اثر بخشی آموزش خود متمایز سازی بر صمیمیت، سازگاری و توانایی ابراز وجود زنان متأهل. مجله علوم پزشکی دانشگاه علوم پزشکی دانشگاه آزاد اسلامی، شماره ۳، دوره ۳۰، ص ۳۳۱-۳۲۰.
۵. صالحی، زهرا. (۱۳۹۶). بررسی نقش تمایز یافتگی خود و فرسودگی شغلی در پیش‌بینی طلاق عاطفی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد مشاوره‌ی خانواده. دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی. دانشگاه شهید باهنر کرمان.
۶. طالبی، مریم؛ غباری بناب، باقر. (۱۳۹۱). تعیین رابطه تمایز یافتگی خود، هوش هیجانی و رضایت زناشویی در مراکز مشاوره شهر شاهرود. مجله زن و مطالعات خانواده، شماره ۱۸، دوره ۵، ص ۳۲-۱۵.
۷. عارفی، مختار؛ رحیمی، روح اله؛ شیخ اسمعیلی، دلنیا. (۱۳۹۴). پیش بینی سازگاری زناشویی زوج های جوان فرهنگی بر مبنای میزان تمایز یافتگی از خانواده اصلی و رضایت زناشویی والدین. فصلنامه خانواده و پژوهش، شماره ۳۱، ص ۸۷-۱۰۶.
۸. کاظمیان مقدم، کبری؛ مهرابی زاده هنرمند، مهناز؛ کیامنش، علیرضا؛ حسینیان، سیمین. (۱۳۹۵). نقش تمایز یافتگی، معناداری زندگی و بخشودگی در پیش بینی رضایت زناشویی. مجله روانشناسی خانواده، دوره ۳، شماره ۲، ص ۷۱-۸۲.
۹. مراد زاده، فریبا؛ پیر خائفی، علیرضا؛ (۱۳۹۶) اثربخشی درمان مبتنی بر پذیرش و تعهد بر رضایت زناشویی و انعطاف‌پذیری شناختی کارکنان متأهل اداره بهزیستی، نشریه روان پرستاری، شماره ۵، دوره ۶، ص ۶-۱.

۱۰. نعیمی، قادر؛ پیرساقی، فهیمه؛ بشیرپور، محراب و اکبری، زهرا. (۱۳۹۴). نقش مؤلفه‌های سلامت خانواده اصلی و ابعاد تمایزیافتگی خود در پیش‌بینی رغبت به ازدواج در دانشجویان. فصلنامه فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی. دوره ۲۱. شماره ۶.

۱. Ashkar, Ay; Peleg, O. (2013). The relationship between differentiation of self and satisfaction with life amongst Israeli women: A cross cultural perspective. *Journal Health*, 5(9), 1467-1477.
۲. Batool, S. Sh, & Khalid, R. (2012). Emotional Intelligence: A Predictor of Marital Quality in Pakistani Couples. *Pakistan Journal of Psychological Research*. 1 (27): 65-88.
۳. Drake, J.R; Murdock, N.L; Marszalek, J.M & Barber, C.E. (2015), Differentiation of self inventory Shortform: Development and preliminary validation. *Contemporary Family Therapy*, 37(2), 101-112.
۴. Kaleta, K. by women. (2014). *Polskie Forum Psychologiczne*. 3(19): 305-319.
۵. Kim, H.S, Jung, Y.M. (2016). Self-Differentiation, Family Functioning, Life Satisfaction and Attitudes towards Marriage among South Korean University Students. *Indian Journal of Science and Technology*. 8(19): 2-9.
۶. Larsen, A.S; Olson, D.H. (1989). Predicting marital satisfaction using prepare: a replication study. *J Marital Fam Ther*, 15(3): 311-22. DOI: 10.1111/j.1752-0606.1989.tb00812.x PMID: 21118461.
۷. Skowron, E; Friedlander, M. (1998). The differentiation of self inventory: development and initial validation. *Journal of Counseling*, 28: 235-246.